

«تصریح ضمائر جنسیتی» در ترجمه محمدرضا مرعشی‌پور از رمان

«راه» نجیب محفوظ

فرامرز میرزایی^۱ و سید اسماعیل قاسمی موسوی^{*۲}

۱- استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

۲- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بوعلی سینا، همدان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۳/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۲۰)

چکیده

تفاوت ساختار زبان متن با زبان ترجمه یکی از مشکلات مترجم به شمار می‌رود. تفاوت ساختاری در ضمائر جنسیتی (*Gender-specific pronoun*) در زبان فارسی و عربی چنان مایه ابهام است که مترجم ناچار می‌شود توضیح اضافی دهد. این رفتار مترجم «تصریح» (*Explication*) نام دارد. در واقع، مترجم اطلاعاتی را که در متن اصلی نیست، در ترجمه خود می‌آورد تا معنای متن را روشن‌تر سازد. این پژوهش در پی آن است که با روش تحلیل کمی و کیفی محتوا، کارکرد تصریح را در برگردان ضمائر جنسیتی (مذکر و مؤنث) در ترجمه محمدرضا مرعشی‌پور از رمان «راه» نجیب محفوظ بررسی کند و نقش آن را در پیشگیری از بروز ابهام در ترجمه این دسته از ضمائر نشان دهد. یافته این پژوهش بیانگر آن است که گستردگی کاربرد راهکار تصریح در رفع ابهام از ضمائر جنسیتی، ویژگی سبکی ترجمه مرعشی‌پور در این اثر به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: تصریح، ضمائر جنسیتی، نجیب محفوظ، رمان راه، مرعشی‌پور.

* Email: esmaeilmusavi@gmail.com

مقدمه

ضمایر جنسیتی (Gender-specific pronoun) به‌طور مشخص به جنسیت یک اسم؛ یعنی مذکر یا مؤنث بودن دلالت دارد. در زبان انگلیسی دو ضمیر He و She و در زبان عربی ضمایر غایب و مخاطب از این ویژگی برخوردارند، اما در زبان فارسی ضمایر از لحاظ جنسیتی خنثی (Gender-neutral pronoun) هستند؛ بدین معنا که دلالت یکسانی بر مرد و زن دارد. این تفاوت ساختاری در ترجمه مشکل‌آفرین می‌شود. این مشکل هنگامی آشکار می‌شود که ضمایر جنسیتی برای دو شخصیت مرد و زن در متن اصلی به یکسانی به کار رود و مترجم به‌ناچار باید مرجع ضمیر را در برگردان فارسی به روشنی بیاورد تا ابهام را از متن برگردان شده، از بین ببرد.

این امر در برگردان داستان‌های عربی به فارسی بسیار مترجم را می‌آزارد؛ زیرا همهٔ زبان‌های زندهٔ دنیا «ضمایر را به صورت یکسان کدگذاری نکرده‌اند، در حالی که برخی زبان‌ها یک نظام غنی برای اشاره به مشارکت‌کنندگان در گفتمان دارند؛ مانند عربی کلاسیک که زبان قرآن است. این غنا در همهٔ زبان‌ها مشاهده نمی‌شود» (کتابی، ۱۳۸۶: ۲۵). از این رو، در متن مبدأ، نویسندهٔ داستان با استفاده از تفاوت موجود میان ضمایر مذکر و مؤنث، خود را از تکرار نام افراد بی‌نیاز می‌سازد و در متن خود پیاپی از این ضمایر سود می‌جوید، بدون اینکه ابهامی برای مخاطب به وجود آورد، اما یکی از چالش‌های عمدهٔ مترجم به شمار می‌رود؛ زیرا اگر در برابر همهٔ این ضمایر در برگردان فارسی ضمیر بیاورد، یقیناً مخاطب زبان مقصد، درک درستی از متن نخواهد داشت و کار ترجمه از هدف اصلی خود که انتقال مفهوم بین دو زبان است، بازمی‌ماند. نمونهٔ این مشکل را می‌توان در برگردان‌های محمدرضا مرعشی‌پور از آثار نجیب محفوظ - رمان‌نویس مصری و برندهٔ جایزهٔ نوبل ادبیات - مشاهده کرد. اگرچه مترجمان بسیاری آثار این داستان‌نویس پرآوازهٔ عرب را ترجمه کرده‌اند، اما محمدرضا مرعشی‌پور با ترجمهٔ شش اثر از وی، جایگاه ویژه‌ای میان خوانندگان فارسی زبان دارد. وی مجموعه داستان‌های «خواب» (مجموعه چند داستان منتخب مترجم)، «جنایت» (الجريمة)، «کوچهٔ مدق» (زقاق المدق)، رمان «راه» (الطریق) و مجموعه داستان «وسوسهٔ شیطان» (الشیطان یعظ) و چند داستان دیگر را از نجیب محفوظ به فارسی برگردانده است.

در این پژوهش با بررسی داستان راه (الطریق) از این مترجم، به عنوان یک نمونه آماری از یک مترجم شناخته شده، به پرسش‌های زیر پاسخی درخور بدهد:

- مترجم چگونه از تصریح برای پیشگیری از ابهام ضمائر جنسیتی در ترجمه خویش سود می‌جوید؟

- در کدام بخش متن ترجمه شده بسامد تصریح بیشتر است و چرا؟

۱- روش پژوهش

در این پژوهش از دو روش تحلیل کمی و کیفی داده‌ها استفاده خواهد شد. رمان‌های نجیب محفوظ دارای بخش‌های (اپیزودهای) مختلفی است که به طور غیرمساوی، هر یک قسمتی از اتفاق‌های داستان را نقل می‌کند. مرعشی پور برای ترجمه این بخش‌ها راهکارهایی را در پیش گرفته است تا مفهوم مورد نظر را انتقال دهد. بر این اساس، در پژوهش حاضر به صورت آماری مقدار استفاده مترجم از همگانی‌های پیشنهادی بیکر (Mona Baker: 1953)، در هر بخش بیان خواهد شد. سپس با تحلیل کیفی نمونه‌هایی، سبک و سیاقی که مترجم در پیش گرفته است و نقش مثبت یا منفی این همگانی‌ها در ترجمه مذکور بیان خواهد شد. واحد بررسی در این پژوهش، جملات و واژگان خواهد بود و به استفاده نحوی و واژگانی مترجم از همگانی‌ها پرداخته خواهد شد.

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعات درخوری درباره ترجمه انجام گرفته است؛ از جمله آنها موارد زیر است:

- مقاله «سبک در ترجمه، راهکارهای فردی صالح حسینی از رهگذر همگانی‌های ترجمه در ترجمه خشم و هیاهو»، نوشته صالح حسینی. در این مقاله سعی شده است تا سبک فردی صالح حسینی در ترجمه از رهگذر همگانی‌های ترجمه‌ای که بیکر پیشنهاد کرده، بررسی شود و با تحلیل داده‌هایی که از طریق جمله‌ها و عبارات انتخابی به دست آمده، به صورت نموداری شیوه استفاده مترجم از همگانی‌ها را بررسی کرده است (ر.ک؛ حری، ۱۳۹۰: ۴۲-۲۳).

– مقاله «تصریح در ترجمه ادبی، حذف ساختاری اختیاری در زبان انگلیسی در ترجمه‌گونه‌های ادبی فارسی»، نوشته واحدی کیا و پیر نجم‌الدین که در این پژوهش به صورت تصادفی چند متن ادبی ترجمه شده از فارسی به انگلیسی بررسی شده است و مؤلفان کوشیده‌اند تا اثبات کنند که تصریح در متون ادبی ترجمه‌ای از فارسی به انگلیسی، یک «هنجار ترجمه‌ای» است (واحدی کیا، ۱۳۹۰: ۱۲۸-۱۱۳).

– مقاله «ضمایر در ترجمه زبان و فرازبان (با تمرکز بر متون دینی)»، اثر سعید کتابی و ابوالفضل مصفا جهرمی که از دیدگاهی سخن‌کاوانه به ترجمه ضمایر قرآن در ترجمه‌های انگلیسی می‌پردازد (کتابی و مصفا جهرمی، ۱۳۸۵: ۴۸-۳۵).

– مقاله «جهانی‌های ترجمه از فرضیه تا نظریه»، اثر غلامرضا تجویدی که ابتدا به شیوه‌های رایج مطالعات ترجمه نگاهی کرده است و آنگاه همگانی‌های ترجمه از جمله تصریح را معرفی نموده است (ر.ک؛ تجویدی، ۱۳۸۷: ۶۰-۴۳).

– مقاله «Explicitation and Textuality in Translation» نوشته بالغی‌زاده و شریفی. نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند تا نقش تصریح را در متنیت نشان دهند و برای هدف خود بخشی از ترجمه گلستان را به انگلیسی بررسی نموده‌اند (ر.ک؛ بالغی‌زاده، ۲۰۰۹ م.: ۶۴-۴۸).

– «Corpuse-based Translation studies. The Challenges that lie Ahead»، نوشته مونا بیکر که در این اثر، همگانی‌های مورد نظر خود را پیشنهاد می‌دهد (Baker, 1996: 179-184).

– «Towards a Methodology for Investigating the Style of a literary Translator» بیکر در این نوشته به بررسی مسایل خاص ترجمه‌های ادبی می‌پردازد (Baker, 2000: 241-266).

باری، به‌رغم این پژوهش‌های ارزشمند که در زمینه همگانی‌های ترجمه، به‌ویژه نقش تصریح در متون ترجمه‌ای انجام شده است و نیز پژوهش‌هایی که با تکیه بر نقش ضمیر در ترجمه نوشته شده است، نویسندگان این مقاله به پژوهشی دست نیافته‌اند که به بررسی ترجمه‌های آثار محفوظ و یا نقش تصریح ضمایر در ترجمه داستان راه (الطریق) پرداخته باشد.

۳- مفهوم تصریح

مترجم از رهگذر تغییر و تبدیل‌هایی که در متن انجام می‌دهد، حضور خود را نیز در متن ترجمه نشان می‌دهد. البته نباید از نظر دور داشت که مترجم برای دخل و تصرف در متن اجبارهایی دارد که عبارت است از: «۱- مترجم باید متن زبان مبدأ را بدون افزایش و کاهش به زبان مقصد برگرداند. ۲- تأثیر متن مبدأ به طور کامل به زبان منتقل شود. ۳- سبک به کار رفته در متن زبان مبدأ باید در زبان مقصد رعایت شود. ۴- ساخت دستوری به کار رفته در ترجمه باید ساخت متداول باشد و از ساختمان دستوری زبان مبدأ متأثر نباشد» (صفوی، ۱۳۹۰: ۶۶).

با رعایت بایسته‌هایی که اشاره شد، مترجمان راهکارهایی برای ترجمه خویش در پیش می‌گیرند که برخی از مهم‌ترین این راهکارها را می‌توان همگانی دانست، بدین معنا که مترجمان در متن خود روش‌هایی به کار می‌برند که پُرسامد می‌نماید و به عادت زبانی مترجم تبدیل می‌شود. این عادت و رفتارهای زبانی که بیکر (۱۹۵۳ م.) و هولمز (۱۹۸۶-۱۹۲۴ م.) آنها را ناآگاهانه و کنترل‌ناشدنی می‌دانند، از رهگذر شگردها و راهکارهایی که مترجم به کار می‌بندد (و این خود دلیلی است که نشان می‌دهد این‌گزینه‌ها چندان هم ناآگاهانه نیست)، در متن ترجمه‌شده بروز می‌یابند. به طور معمول، این ویژگی‌ها از رهگذر تغییرها و تبدیل‌های اختیاری مترجم خود را نشان می‌دهد. البته تعداد تبدیل‌هایی که مترجم انجام می‌دهد، بی‌شمار است و همین مسأله کار دسته‌بندی و بررسی آنها را با مشکل روش‌شناختی روبه‌رو کرده است. باری، بیکر است که در میان دیگران تعداد بی‌شمار تبدیل‌ها را از رهگذر مطالعات پیکره‌بنیاد، در چهار همگانی خلاصه کرده است» (حری، ۱۳۹۰: ۲۷-۲۶).

مونا بیکر، استاد مصری رشته مطالعات ترجمه دانشگاه منچستر، معتقد است که «ردیابی الگوهای زبان‌شناختی مکرر بر مبنای تحلیل پیکره‌بنیاد، شیوه‌های بررسی سبک در متن ترجمه شده را به ما می‌دهد» (بیکر، ۲۰۰۰ م.: ۲۴۸-۲۲۵). از نظر بیکر، تعدادی «ویژگی‌های همگانی» (**Universal features of translation**) را می‌توان در ترجمه بازشناخت که این ویژگی‌ها فقط در متون ترجمه شده دیده می‌شود و در متون مبدأ قابل مشاهده نیست. چهار ویژگی اصلی که ترجمه را از دیگر متون متمایز می‌سازد، عبارت است از: تصریح (**Explicitation**)، متوازن‌سازی

(Levelling out)، ساده‌سازی (Simplification) و طبیعی‌سازی (Normalisation) (ر.ک؛ بیکر، ۱۹۹۶م: ۵۶-۵۲). در این میان، تصریح نقش بیشتری در روشن‌سازی متن ترجمه شده دارد. از میان این قواعد همگانی، تصریح برای پیشگیری از به وجود آمدن ابهام بر اثر اختلاف دو زبان عربی و فارسی در کاربرد ضمائر بسیار به مترجم سود می‌رساند. تصریح از نظر بیکر عبارت است از: «گرایش مترجم به شفاف‌سازی به جای ابهام‌سازی» (همان: ۱۸۰). به بیان دیگر، مترجم می‌کوشد که «ضمائر مبهم موجود در متن مبدأ با صورت‌هایی جایگزین شوند که شناسایی دقیق مرجع ضمیر را ممکن می‌سازد. علاوه بر این، ساخت‌های نحوی دشوارتر و پیچیده‌تر با ساخت‌های نحوی ساده‌تر و آسان‌تر جایگزین می‌شوند» (تجویدی، ۱۳۸۷: ۵۵)؛ زیرا می‌خواهد متن خود را برای خواننده زبان مقصد روان‌تر و آشکارتر سازد.

۴- تصریح در ترجمه رمان الطریق

رمان راه (الطریق) درباره شخصیتی به نام صابر است که در جستجوی پدر خود از اسکندریه راهی قاهره می‌شود و در قاهره با زنی به نام کریمه و دختری به نام الهام آشنا می‌شود و با نقشه کریمه، شوهر او را به قتل می‌رساند و سرانجام بدون اینکه به پدر خویش برسد، به زندان می‌افتد. در بخش‌های گوناگون متن عربی این داستان، پیایی کردارها و گفتارهایی به شخصیت مرد و زن داستان نسبت داده می‌شود که با کاربرد ضمائر بارز و مستتر، مقصود نویسنده از جنسیت و مرجع ضمیر روشن می‌گردد؛ به عنوان مثال: «فَضَحَكَ قَائِلُهُ: عِنْدَمَا رَأَيْتَكَ قَادِمًا مُنْذُ عَشْرَةِ أَيَّامٍ قُلْتُ لِنَفْسِي هَذَا هُوَ. فَهَتَيْفَ بَانْتِصَارٍ: الإسْكَندَرِيَّةُ؟!...» (محفوظ، بی‌تا: ۵۷). اما اگر مترجم بخواهد در برگردان فارسی خود به جای هر ضمیر عربی، ضمیری در فارسی بیاورد، چنین خواهد شد: «او خندید و گفت: ده روز پیش که آمدی، گفتم خودش است و او پیروزمندانه فریاد زد: اسکندریه؟!» حال آنکه مرعشی‌پور با بهره‌گیری از تصریح، از ابهام موجود در این متن فرضی بدین گونه کاهیده است: «و زن - خندان - گفت: از همان ده روز پیش که آمدی، گفتم خودش است... و صدای جوان - پیروزمندانه - بلند شد: اسکندریه؟!» (محفوظ، ۱۳۹۳: ۸۳).

از این رو، بایسته است که اطلاعات افزوده به متن بررسی گردد که تصریح چه نقشی در انتقال معنا در این برگردان فارسی دارد و همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، هدف از ردیابی این الگوهای همگانی، یافتن سبک خاص هر مترجم و در نهایت، یافتن ویژگی‌هایی است که متون ترجمه‌ای را از متون غیرترجمه‌ای جدا می‌سازد (ر.ک؛ Baker, 2000: p.225-248).

با توجه به اینکه در ترجمه مرعشی‌پور تصریح در ضمائر مذکر و مؤنث بسامد فراوانی دارد، از این رو، می‌توان آن را در دو دسته کلی زیر گنجانند:

الف) تصریح در ضمائر

مقصود از تصریح در ضمائر، پیش گرفتن راهکاری است تا از ابهام محتمل بر اثر اختلاف در ضمائر جنسیتی دو زبان پیشگیری شود که بر اساس راهکاری که مترجم در پیش گرفته، می‌توان آن را به سه بخش زیر تقسیم کرد:

۱- آوردن نام شخص است. یکی از راهکارهای که مرعشی‌پور برای گریز از ابهام در ترجمه ضمیر پیش گرفته، این است که به جای ضمیر، نام شخص را بیاورد و از این طریق، بر صراحت متن خویش بیافزاید؛ به عنوان مثال: «و تَفَكَّرَ قَلِيلًا ثُمَّ سَأَلَ» (محفوظ، بی‌تا: ۱۴)؛ بدین گونه ترجمه شده است: «صابر دمی اندیشید، سپس پرسید» (همان، ۱۳۹۳: ۳۶).

۲- اشاره به جنسیت مرجع ضمیر است که مترجم در ترجمه ضمائر از آن بهره می‌برد: «تَفَخَّصَهُ بِنَظْرَةٍ لَمْ تَخُلْ مِنْ حَيْبَةٍ» (همان، بی‌تا: ۱۷) که مرعشی‌پور آن را با آوردن کلمه «مرد» ترجمه کرده است: «مرد با نگاهی که رنگی از تردید داشت، و راندازش کرد» (همان، ۱۳۹۳: ۳۹).

۳- آوردن صفت نشان‌دهنده مرجع ضمیر: «ضَحِكَ قَائِلًا» (همان، بی‌تا: ۳۴) که مترجم با ذکر صفت مرجع ضمیر یعنی «دکتر» از ابهام پیشگیری کرده است: «دکتر لبخند زد و پاسخ داد».

ب) تصریح در غیر ضمیر

گونه دوم که آن را تصریح در غیر ضمیر دیگر نامیده‌ایم، بدین معناست که مترجم گاه به کلماتی برخورده است که برای خواننده زبان مقصد دارای ابهام و ناشناس است که از پاورقی یا

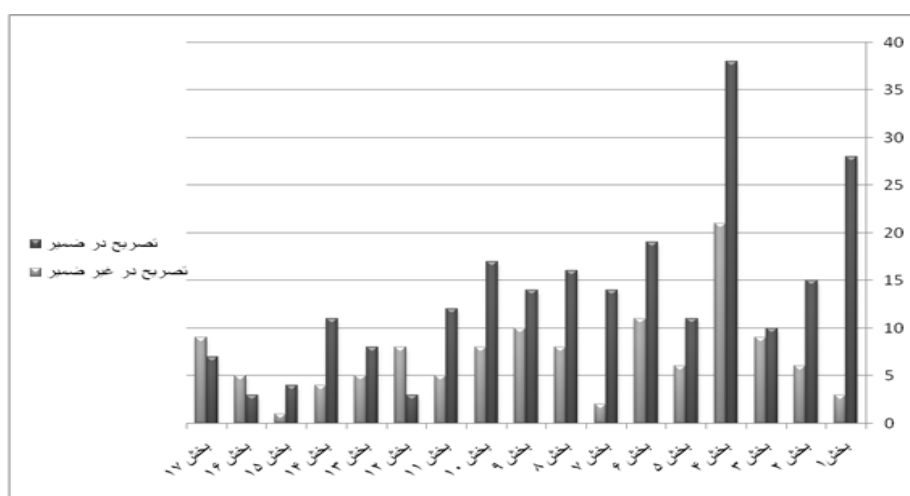
اشاره به معنا در متن بهره برده است و یا اینکه ابهامی را که بر اثر حذف در زبان مبدأ هنگام ترجمه رخ می‌داده، با تصریح برطرف نموده است.

به اعتقاد صفوی، «مترجم خود خواننده یا شنونده‌ای است که قرار است مجدداً نویسنده یا گوینده شود. وی پس از کشف انتخاب‌های فرضی نویسنده اول، خود در جایگاه نویسنده دومی قرار می‌گیرد که وظیفه دارد، انتخاب‌هایی از محور جانشینی نظام نشانه‌ای زبان مقصد بازگرداند...» (صفوی، ۱۳۹۱: ۱۴۸-۱۴۷). بر همین اساس، هنگامی که نظام نشانه‌ای زبان مقصد برای مترجم شرایطی را رقم بزند که با پیروی از متن مبدأ متن دچار ابهام می‌گردد، مترجم باید به راهکارهایی برای گریز از این ابهام بیاورد و به تبع آن، «می‌توان به یقین مدعی شد که در ترجمه متون ادبی نکاتی نظیر صداقت مترجم و وفاداری به متن به طور کامل منتفی است»، بلکه راهکارهای کلی را در میان مترجمان مختلف می‌توان یافت که یکی از این راهکارها، آوردن اطلاعات تکمیلی در متن ترجمه شده می‌باشد (ر.ک؛ همان).

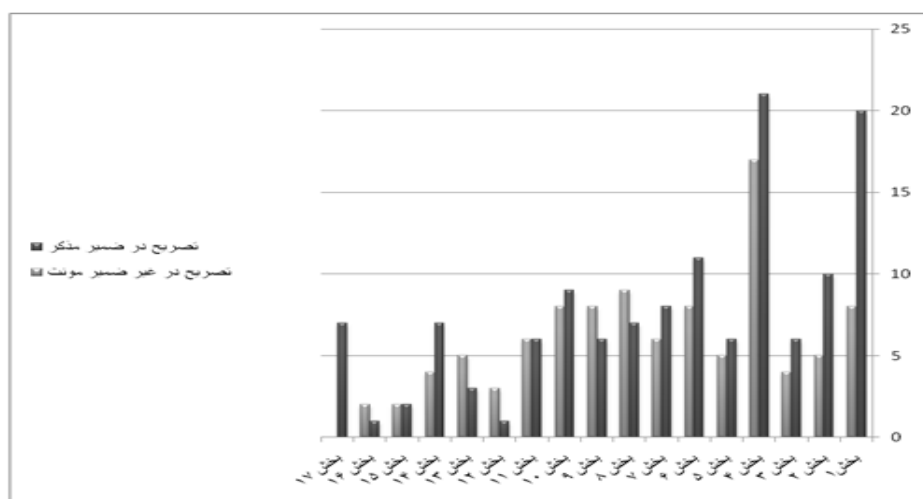
برای دستیابی به چگونگی استفاده مترجم از این ویژگی همگانی در ترجمه *الطریق*، متن عربی با متن ترجمه مقایسه شده است و هر جا را که مترجم ناچار شده دست به شفاف‌سازی بزند، مد نظر قرار داده‌ایم؛ به عنوان مثال: «وَ اسْتَدْرَكَ قَبْلَ أَنْ يُوعَلَ فِي الْإِبْتِغَادِ» (محموظ، بی تا: ۴۵) که بدین گونه ترجمه شده است: «اما پیش از اینکه خیلی دور شود، صابر سخنش را پی گرفت» (همان، ۱۳۹۳: ۷۰) و پس از بررسی، حاصل کار بدین شرح می‌باشد. چنان‌که در نمودار شماره ۱ مشاهده می‌شود، با بررسی متن ترجمه در مجموع ۳۵۲ مورد تصریح صورت گرفته است که این موارد را به دو گونه تصریح در ضمائر و تصریح در غیرضمیر تقسیم نموده‌ایم. تصریح در ضمائر مانند: «فَعَمَّغَمَّتْ شَفَاتَهَا بِكَلِمَاتٍ لَمْ تُسْمَعِ، فَتَسَأَلُ...» (همان، بی تا: ۸۲) که مرعشی‌پور این جمله را بدین گونه ترجمه می‌کند: «و لبان دخترک برای گفتن جنبیدند، اما آوایی از میانشان به گوش صابر نرسید. پس پرسید...» (همان، ۱۳۹۳: ۱۱۰). ضمیر «ها» در واژه «شَفَاتَهَا» به «دخترک» و ضمیر موجود در فعل «تَسَأَلُ» به «صابر» ترجمه شده است. همچنین برای تصریح در غیر ضمیر می‌توان این جملات را مثال آورد: «لَا تَسْأَلُ عَنِ الصَّوْتِ الَّذِي نَدَّ غَنَةً» (همان، بی تا: ۱۱۷) که ترجمه لفظی آن چنین می‌باشد: «از صدایی که از او برآمد، نپرس» و مرعشی‌پور آن را بدین صورت ترجمه کرده است: «و از آن صدا که از گلویش برآمد، هیچ مگو» (همان، ۱۳۹۳: ۱۴۹).

همچنین تعداد ۲۳۰ مورد تصریح را در ترجمهٔ ضمائر جنسیتی و ۱۲۲ مورد تصریح را در ترجمهٔ مواردی غیر از ضمیرهای جنسیتی را تشخیص دادیم. بدان گونه که در نمودار شمارهٔ ۲ ملاحظه می‌شود، از ۲۳۰ مورد تصریح در ضمیر ۱۲۷ مورد در ضمائر مذکر و ۱۰۳ مورد تصریح برای ضمائر مؤنث، از سوی مترجم به کار گرفته شده است.

نمودار شماره ۱



نمودار شماره ۲



از آنجا که این پژوهش در پی یافتن راهکارهای مرعشی‌پور در ترجمه ضمائر جنسیتی و مقایسه بسامد این گونه از تصریح در مقایسه با انواع دیگر و در نهایت، یافتن ویژگی‌های خاص سبک مرعشی‌پور در ترجمه این کتاب می‌باشد، با نگاهی به نمودار شماره ۱ و آنچه که ذکر شد، چند نکته به نظر می‌رسد: ۱- در ترجمه غالب بخش‌ها (اپیزودها)ی داستان، تعداد تصریح در ضمیر به طرز معناداری به نسبت دیگر موارد تصریح فراوانی بیشتری دارد. ۲- تعداد دو گونه تصریح در بخش پنجم برابر است. ۳- در بخش‌های ۱۲، ۱۶ و ۱۷ تعداد تصریح در ضمائر کمتر از دیگر موارد می‌باشد که پیش از آوردن نمونه‌هایی از تصریح در بخش‌های مختلف به تحلیل این سه نکته خواهیم پرداخت.

نکته نخست نشان‌دهنده این می‌باشد که ضمائر جنسیتی یکی از مهم‌ترین مواضع ابهام است که مترجم برای رفع این ابهام به تصریح دست یازیده است و با آوردن کلماتی که نشانگر جنسیت شخصیتی باشد که نویسنده در متن مبدأ آورده، قصد داشته که از این ابهام مٌخل در معنی دوری جوید و این شیوه و بسامد به کارگیری تصریح، نشانگر سبک فردی مرعشی‌پور در ترجمه این اثر است. نکته دوم و سوم ما را به بررسی علت تغییر در فراوانی نوع تصریح در متن فرامی‌خواند و با اندک تأملی در متن این نکات به نظر می‌رسد در فصل پنجم که تعداد دو گونه تصریح برابر است، گفتگوها بین چند مرد و توصیف‌ها در مورد آنها می‌باشد و در سه بخشی که تعداد تصریح در ضمائر، بسامد کمتری دارد نیز به همین گونه است. بر همین اساس، نویسنده متن مبدأ خود نیز چاره‌ای نداشته که در موارد القاکننده ابهام از آوردن ضمیر دوری و نام اشخاص را ذکر کند. بنابراین، مترجم نیاز چندانی برای پناه بردن به تصریح برای فرار از ابهام برآمده از اختلاف ضمائر جنسیتی در دو زبان احساس نکرده است؛ به عنوان مثال: «و من صمیم ذهوله استیقظ مره علی صوت محمد السّوای و هو یهتف: صابر افندی... تلیفون. وثب فی انتباه حاد و اندفع نحو المکتب. هل أخیرا...؟! و سال عم خلیل و عم محمّد عن العنوان و لکنّهما لم یعرفاه... و إذا بالسّوای یلوح له بالسّماعه فهرع إلیه...» (همان، بی‌تا: ۵۴-۵۳). در این بخش، محفوظ با آوردن نام اشخاص از ایجاد ابهام دوری کرده است که این قسمت بدین گونه ترجمه شده است: «و صدای فریاد محمّد السّوای او را از آن حال پریشان - ناگهان - به خود آورد: صابر افندی... تلفن؛ و تیز از جا جست و به سوی میز خیز برداشت. آیا... و از عمو خلیل و عمو محمّد سوای نشانی را جویا شد» (همان، ۱۳۹۳:

۷۸-۷۹). همان گونه که اشاره شد، بدین سبب که ضمیرهای کمتری در متن مبدأ استفاده شده است و نام اشخاص ذکر گردیده است و مترجم نیز نیازی به تصریح احساس نکرده است.

همچنین آماری که در نمودار شماره ۲ آمده است، نشان می‌دهد که در بیشتر بخش‌ها تعداد تصریح در ضمیر مذکر بیشتر از ضمیر مؤنث است. بر این اساس و با توجه به آنچه درباره نمودار شماره ۱ اشاره شد، می‌توان تصریح در ضمایر و به‌ویژه ضمایر مذکر را ویژگی سبکی مترجم در این اثر دانست.

در جدول شماره ۱ که در زیر می‌آید، ۱۰ نمونه ذکر می‌شود که مترجم برای انتقال مفهوم ضمیر مؤنث یا مذکر از تصریح سود جسته است، در این جدول عبارت عربی و معادل فارسی که مترجم برای آن برگزیده است، ذکر خواهد شد و به همین ترتیب، ۱۰ نمونه از تصریح در غیر ضمیر (به جز ضمیر) در جدول شماره ۲ به عنوان مثال ذکر خواهد شد تا شگردهای مترجم در تصریح غیرضمیر نشان داده شود و از این طریق، گونه‌های مختلف تصریح بیان گردد و با گونه تصریح در ضمیر مقایسه گردد. با نگاهی به جدول شماره ۱ و نیز با بررسی‌های انجام شده در متن کتاب درمی‌یابیم که مترجم برای ترجمه ضمایر جنسیتی دو راهکار را برگزیده که هر دو راهکار در گستره تصریح قابل بررسی است. این راهکارها عبارت است از: ۱- ذکر همان اسمی که ضمیر جانشین آن شده است و ۲- آوردن اسم‌هایی همچون «جوان، پسرک، دختر، دخترک، زن و...» به جای ضمیر که نشان‌دهنده جنسیت ضمیر مورد نظر می‌باشد و بدین طریق، مقصود نویسنده از ضمیر صراحتاً نشان داده شده است و بدین ترتیب، از ابهام پیشگیری شده است.

جدول شماره ۱) تصریح در ترجمه ضمایر:

متن مبدأ	ترجمه
فہتف بانتصار	و صدای جوان پیروزمندانہ بلند شد
رفع حاجبہ المقرونین بذہول	صابر ابروہای پیوستہ‌اش را بالا انداخت
و قطب مغناظا ثم قال...	و صابر خشمگین چہرہ در ہم کشید و گفت...
فقال بصوت حلقی دسم	و زن با صدایی کہ گویی از کامش برمی‌آمد، گفت...
فقال باصرار	اما جوان پای فشرد
فقال بحدہ	مرد - استوار - گفت...

سَدِّ فَاها بِيده لِحظه	صَابِرِ دَسْتِ بَرِ دِهَانِ او كِذاشْت
لَكِنَّها شِدَّتْ عَلَي أَصابعه	أَمَّا الِهَامِ انْكَشْتانِ او را فَشَرْد
و تَسائَلْتِ بَرِجاء...	و دَخْتَرِ اميدوارانه پَرسِيد...
و هو يَزْدرد رِبِقَه	و صَابِرِ كِه أَبِ دِهَنْشِ را فَرَوِ مِي داد، كَفت...

جدول شماره ۲) تصریح در غیر ضمیر

متن مبدأ	ترجمه
أنا الرَّجُلُ الَّذِي...	فَکَرِ مِي کَنِمِ مَنِ هَمَانِ كَسِي بِاشِمِ كِه...
نشأت	أَرَامِ أَرَامِ پا مِي كَرَفْتِمِ.
تری هل المرأة من طرف الرحیمی...؟	أیا این زن از سوی رحیمی دست به این کار زده است؟
لا مؤهلات.	مِي شُودِ كَفتِ هِيچِ.
طبعاً.	بِلِه، البِتّه.
فی السَّجْنِ وَحَدَك، لا يَزَارُ مَنِ لَيْسَ لَهُ أَهْل.	تُو در زندانِ تَنهايي؛ او كِه بي خانواده است مِلاقَاتِي ندارد.
در متن عربی چیزی نیامده است.	بَدِيختانِه.
سمع صوتاً يقول: مرحباً تعال.	صَدای خُوشامدِ زَنِي را شَنِيدِ كِه او را نَزْدِ خُودِ مِي خُواند.
طربوش	طَرَبُوشِ (در پانویس معنا توضیح داده شده است).
لا شيء مسل على الإطلاق	هِيچِ چيزِ را نَمِي تَوانِ كَفتِ كِه سَرگرم كِنندِه است.

نتیجه‌گیری

با بررسی راهکار تصریح در این ترجمه می‌توان نتیجه گرفت که ترجمه ضمیر از عربی به فارسی یکی از موارد مهم مستعد ایجاد ابهام است و مترجم باید با به کار بردن ترفند مناسب این مشکل را حل نماید. با بررسی و تحلیل ترجمه رمان *الطريق* با عنوان «راه» درمی‌یابیم که مترجم برای گریز از ابهام‌هایی که در اثر تفاوت ساختار ضمیر جنسیتی روی داده، از «تصریح» به عنوان مهم‌ترین راهکار خویش بهره می‌برد تا تفاوت میان ساختار زبان فارسی و عربی مسبب بروز ابهام

نشود. همچنین با بررسی جدول‌ها، نمودارها و اطلاعات به دست آمده از این ترجمه، به نتایج زیر می‌رسیم:

- با توجه به بسامد فراوان تصریح در ضمائر مذکر، این ویژگی را می‌توان ویژگی سبکی مترجم دانست.

- بسامد تصریح در ضمائر جنسیتی (**Gender-specific pronoun**) در این ترجمه از موارد دیگر بیشتر است. این امر به‌ویژه در بخش یک و چهار داستان خیلی بیشتر نمود دارد و مترجم می‌کوشد با بهره بردن از تصریح، پیام داستان را برای خواننده ساده و روشن نماید.

- در قسمت‌هایی که موضوع درباره دو شخصیت با جنس مخالف یکدیگر (یک مرد و یک زن) بوده، تعداد تصریح در ضمائر افزایش یافته است.

منابع و مأخذ

تجویدی، غلامرضا. (۱۳۸۷). «جهانی‌های ترجمه؛ از فرضیه تا نظریه». **مطالعات ترجمه**. سال ۶. شماره ۲۳. صص ۴۳-۶۰.

حری، ابوالفضل. (۱۳۹۰). «سبک در ترجمه؛ راهکارهای فردی صالح حسینی از رهگذر همگانی‌های ترجمه در ترجمه خشم و هیاهو». **مجله پژوهش ادبیات معاصر**. شماره ۶۲. صص ۲۳-۴۲.

صفوی، کورش. (۱۳۹۱). «نوشته‌های پراکنده (دفتر سوم)؛ زبان‌شناسی و ترجمه‌شناسی». تهران: علمی.

_____ . (۱۳۹۰). «هفت گفتار درباره ترجمه». تهران: نشر مرکز، کتاب ماد.

کتابی، سعید و ابوالفضل مصفا جهرمی. (۱۳۸۶). «ضمایر در ترجمه: زبان و فرازبان (با تمرکز بر متون دینی)». **مطالعات ترجمه**. دوره ۵. شماره ۱۹. صص ۲۳-۴۰.

_____ . (۱۳۸۵). «ترجمه و دستور همگانی». **مطالعات ترجمه**. سال ۴. شماره ۱۴. صص ۳۵-۴۸.

محفوظ، نجیب. (۱۳۹۱). «راه». ترجمه محمد رضا مرعشی پور. تهران: هاشمی.

_____ . (بی تا). «الطریق». القاهرة: مکتبه مصر.

موندی، جرمی. (۱۳۸۹). «درآمدی بر مطالعات ترجمه». ترجمه الهه ستوده‌نما و فریده حق‌بین. تهران: علم.

واحدی کیا، مهدی و حسین پیر نجم‌الدین. (۱۳۹۰). «تصریح در ترجمه ادبی، حذف ساختار اختیاری در زبان انگلیسی در ترجمه گونه‌های ادبی فارسی». پژوهش ادبیات معاصر. شماره ۶۲. صص ۱۲۸-۱۱۳.

Baker, Mona. (1996). "Corpus-based Translation studies. The Challenges that lie Ahead". **Harold Somers** (ed.) *Termonology, LSP and Translation*. Amsterdam: John Benjamins.

_____. (2000). 'Towards a Methodology for Investigating the Style of a literary -Translator'. *Target* (2).

_____. (2004). **corpus-based view of similarity and difference in translation**. Center for Translation & Intercultural studies. University of Manchester: John Benjamin Publishing Company.

Balwghizadeh, Sasan & Sharifi, Ahmad. (2009). Explication and Textuality in Translation" **Translation studies**. Vol 7. No 27.

Holmes James S. (1988b/2000). 'The name and nature of Translation Studies' Translation Section of the Third International Congress of Applied Linguistics. Held in Copenhagen. 21-26 August 1972. First issued in the APPTS, series of the Translation Studies Section, Department of General Literary Studies. University of Amsterdam.